بسم‌الله الرحمن الرحیم

[ادله حجیت مفهوم وصف 2](#_Toc434650956)

[دلیل مرحوم اصفهانی 2](#_Toc434650957)

[مرور بحث گذشته 2](#_Toc434650958)

[تقریری دیگر از این مسأله 2](#_Toc434650959)

[اساس مسأله فوق 2](#_Toc434650960)

[نتیجه‌گیری 3](#_Toc434650961)

[صورت شک در مفهوم وصف 3](#_Toc434650962)

[جمع‌بندی بحث 3](#_Toc434650963)

[نظریه مرحوم آقای خویی 4](#_Toc434650964)

[معرفی منابع بحث 4](#_Toc434650965)

[تشریح نظریه فوق 4](#_Toc434650966)

[جمع‌بندی 5](#_Toc434650967)

# ادله حجیت مفهوم وصف

# دلیل مرحوم اصفهانی

# مرور بحث گذشته

برای حجیت مفهوم وصف به پنج دلیل استشهاد شد و آخرین دلیل، دلیل مرحوم اصفهانی در نهایه الدرایه بود. سابق گفتیم اگر کسی بتواند پنجاه صفحه نهایه الدرایه را بفهمد و تشریح کند، نمی‌شود گفت او مجتهد یا قریب به آن نیست. البته این کار بسیار دشواری است.

دلیل پنجم، بیان ایشان بود که مبنای مفهوم علیت انحصاریه است و با همان بیانی که در شرط گذشت هم علیت و هم انحصاریه را می‌توان برای وصف اثبات نمود.

# تقریری دیگر از این مسأله

البته تقریر ما مقداری فراتر از فرمایش ایشان در اینجاست. پاسخی که به این دلیل داده شد، به نحوی از فرمایش مرحوم آقا ضیاء استفاده می‌شد که برای اثبات مفهوم علاوه بر ضرورت علیت و انحصاری بودن، نیاز به رکن سومی است که عبارت باشد از اینکه صیغه بر نوع حکم است و از طریق اطلاقی که باید در صیغه جاری شود، به دست می آید یعنی کل اکرام عالم مقید به آن است.

این پاسخی بود که می‌توانستیم از کلام مرحوم آقا ضیاء استفاده نماییم که شرط سوم در اینجا در مثل اکرم العالم العادل وجود ندارد.

# اساس مسأله فوق

البته ممکن است بیان ما بابیان ایشان و مرحوم شهید صدر متفاوت باشد، اما ما این دلیل را قبول داریم لکن بابیانی که عرض خواهد شد؛

نکته اساسی این است که اکرم در این دو جمله شرطیه و وصفیه چه فرقی دارد؟ اذا کان العالم عادلاً فاکرمه، این جمله شرطی بود و وصفی این است که اکرم العالم العادل؛ این دو جمله به نظر ما از حیث عرفی متفاوت است و وقتی مفهوم وجود خواهد داشت که هر نوع اکرام عالم مقید شود، اما اگر گفته شود که در اینجا به هر نوع اکرام توجه نیست و اکرام شخصی باشد، مفهوم وجود نخواهد داشت.

به‌عبارتی‌دیگر باید مراد از حکم، سنخ و نوع حکم باشد که در اینجا منظور از شخص جزیی اضافی است، یعنی اکرمی که مقید به این شرط است در مقابل اکرمی که دارای این شرط نیست، لذا جزیی در اینجا به نحو جزیی حقیقی نیست.

# نتیجه‌گیری

فرق ما با مرحوم اصفهانی در این است که جمله شرطیه با وصفیه ازلحاظ عرفی دارای چنین فرقی است که استقلال جمله شرطیه از جزاء نشان از جدا دیدن آن است، لذا اکرم مستقل جا برای این بازنموده است که محدود نباشد، برخلاف اکرم العالم العادل که امر متوقف و محدد به اکرام بودن است، پس‌ازآن اکرام محدد به عالم و پس‌ازآن اکرام محدودشده در عالم عادل؛ لذا در اینجا سه نوع تقید وجود دارد.

## صورت شک در مفهوم وصف

برخلاف صیغه اکرم العالم در شرط، اکرام عالم را به همه اقسام منحصر در جزاء یعنی عدالت نموده است. بنابر این ظهور عرفی در شرط این است که جزاء مطلق است و همه ملاکات دیده شده به یک قید متوقف می‌شود که مفهوم داشتن را می‌رساند. حداقل امر این است که در وصف شک وجود دارد که همه ملاکات عالم عادل دیده شده است یا خیر؟ که در این صورت نیز نمی‌توان به مفهومی اخذ نمود.

## جمع‌بندی بحث

دقتی که در اینجا لازم است، این بوده که اطلاق و مقام بیان چندان به اطلاق لفظی تناسب ندارد و بیشتر با اطلاق مقامی ملائمت دارد. ظاهراً تا اینجا بحث کافی است و لزومی برآوردن برخی بیانات شهید صدر که در اینجا ذکرشده است وجود ندارد و ازآنچه گفته شد، نتیجه می‌گیریم که؛

پنج دلیل بیان‌شده که برخی بسیار قدیمی بوده و در بیانات اهل سنت نیز ریشه داشت، تمام نیستند و نکته دقیق نکته اخیر بود که ادبیات جمله شرطیه با وصف تفاوت دارد که در شرط برخلاف وصف همه ابعاد دیده نمی‌شود و آنچه گفته شد در حقیقت تحلیل ارتکاز است. منتها تحلیل نهایی بحث نکته دقیق اخیر بود.

## نظریه مرحوم آقای خویی

بحث دیگر قول تفصیلی است که مرحوم آقای خویی رحمه‌الله فرمودند که به شکلی از بیانات استادشان مرحوم اصفهانی در نهایه الدرایه قابل‌استفاده است اما به این نحو پردازشی در کلام آقای خویی ذکرشده است که در محاضرات واردشده است.

## معرفی منابع بحث

مهم‌ترین منابع مورد استفاده ما در اصول؛ اصول استاد مرحوم آقای تبریزی دروس فی علم الاصول، بحوث شهید صدر، محاضرات آقای خویی، تهذیب حضرت امام، کفایه، التحقیق فی علم الاصول که شبه تقریر درس‌های آقای وحید حفظه الله است و تقریرات مرحوم نائینی و آقا ضیاء و اصفهانی غالباً از طریق منابع دست‌دوم نقل می‌شود.

## تشریح نظریه فوق

مرحوم آقای خویی در اینجا قول شاذی دارند که مفهوم برای وصف دو بعد دارد که ما یکی از آن را قبول داریم. مفهوم داشتن اکرم العالم العادل در اینجا دو امر است؛ یکی اینکه عالم فقیه، متقی و با هر قید دیگری این حکم را ندارد، لذا مفهوم وجوب اکرام را از غیر عالم عادل نفی می‌نماید.

بعد دیگر مفهوم جلوتر می‌آید که نفی حکم از عالم بماهو هو عالم است. هرچند ممکن است عالمی با قیدی دیگر این حکم را داشته باشد. این دو بعد از یکدیگر جدا هستند و به نحو اقل و اکثر نیستند. قائلین به مفهوم داشتن جمله شرطیه دو مفهوم را در ذیل آن می‌بینند که بیان شد. کسی که به مفهوم وصف قائل نیست، بر این نگرش است که می‌گوید هیچ‌کدام از این دو بعد در وصف نیست.

اما آقای خویی در مرزی بین این دو نظریه قرار دارد؛ ایشان قسم اول را نفی نمی‌کند یعنی اینکه همین حکم ممکن است بر سایر موارد عالم نیز صادق شود. اما بعد دوم که حکم برای عالم بماهوهو است، موردقبول ایشان نیست به دلیل اینکه اصالت احترازیت در قیود، اقل خاصیت عرفی آن، این است که عالم بماهوهو این حکم را ندارد و اما اینکه عالم با قیود دیگر این حکم را ندارد، این امر به دست نمی‌آید.

## جمع‌بندی

نتیجه مهمی که ایشان بر این نظریه مترتب می‌کنند در حمل مطلق و مقید است درجایی که وحدت حکم نیست که برخلاف نظر مشهور است که ان شاء الله فردا بیان می‌شود. علاوه بر اینکه بر این بیان در چند مورد همانند بیانات آقای وحید پاسخ‌داده‌شده که آن بدان نیز در جلسه آینده پرداخته خواهد شد.